پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۲۵۵ـ۲۸۰ (مقاله پژوهشی)

No. 26, Spring & Summer 2020

ساختار معنایی سوره «الاحزاب» و جایگاه آیه تطهیر در آن

فاطمه لایقی[۱]، عباس همامی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۱۸ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۵)

چکیده

بررسی ارتباط بین آیات یک سوره و ساختار معنایی، روش نوینی در تفسیر قرآن است. ساختار معنایی بیان می‌کند که هر سوره دارای یک غرض اصلی است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره به آن غرض مرتبط می‌شوند. با بررسی سیاق آیات و دیگر روش های کشف غرض سوره مشخص گردید که غرض سوره «الاحزاب» "برطرف نمودن فشار وارده بر پیامبر(ص) از طرف گروههای مختلف جامعه" است. یکی از فواید ترسیم ساختار معنایی سوره‌ها کمک به حل اختلافات تفسیری است. در سوره «الاحزاب» در مورد آیه تطهیر اختلاف تفسیری وجود دارد. اهل سنت با استناد به سیاق آیات، مصداق «اهل البیت» در آیه تطهیر را همسران رسول الله (ص) و مفسران شیعه با استناد به روایات معصومان علیهم السلام مصداق «اهل البیت» را خمسه طیبه می‌دانند. لیکن بررسی دقیق سیاق آیات، ساختار معنایی و غرض سوره «الاحزاب»، دلیل اهل سنت را که سیاق آیات است، رد می‌نماید.

کلید واژه‌ها: *ساختار، سوره «الاحزاب»، غرض، پیامبر(ص)، آیه تطهیر.*

---

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
fatemeh7783@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
ah@hemami.net

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

مقدمه

از جمله اختلافات تفسیری که میان مفسران شیعه و علمای اهل سنت مطرح است، در مورد آیه تطهیر می‌باشد. اهل سنت با در نظر گرفتن سیاقی که آیه تطهیر در آن به کار رفته است، معتقدند که منظور از «اهل البیت» در این آیه، همسران پیامبر(ص) می‌باشد و یا آنها را هم شامل آن می‌دانند. شیعه نیز با توجّه به روایات بسیاری که در شأن نزول این آیه آمده است، عقیده دارد که مراد از اهل البیت «خمسه طیبه» می‌باشد. این پژوهش با بررسی سیاق آیات سوره «الاحزاب»، دلیل اهل سنت که استناد به سیاق آیات است را، با دلیل خودشان رد می‌نماید. برای درک جایگاه آیه تطهیر در متن سوره، نیاز به دستیابی به غرض سوره است. از آنجا که این سوره مباحث متفاوتی را دربردارد، در نگاه اجمالی دستیابی به غرض سوره مشکل می‌نماید. علامه طباطبایی که غرض سوره ها را در ابتدای تفسیر هر سوره ذیل عنوان «بیان» مطرح می‌نماید، در مورد این سوره غرض صریحی بیان نکرده است و تنها به ذکر موضوعات مطرح شده در سوره بسنده نموده است و چنین نگاشته است: «این سوره مشتمل بر معارف، احکام، قصص، عبرتها، و مواعظی چند و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی قریظه دارد.» بنابراین دستیابی به غرض سوره «الاحزاب» نیاز به غور در مطالب بیان شده در سوره، تفکر و تدبر افزون‌تری را طلب می‌نماید.

بدلیل این که مهمترین ابزار کشف ساختار معنایی سوره، استفاده از سیاق آیات سوره است؛ لذا در ابتدا بررسی سیاق آیات سوره «الاحزاب» صورت گرفته است تا بدین وسیله غرض سوره مشخص گردد. سپس استفاده از سایر روشهای کشف ساختار سوره، به اتقان محور بدست آمده خواهد افزود و در انتها جایگاه آیه تطهیر در ساختار معنایی سوره و سیاقی که در آن واقع شده است، بررسی می‌گردد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

الف ـ ساختار سوره «الاحزاب»

در این مجال به بررسی ساختار سوره و دستیابی به غرض سوره پرداخته شده است.

۱ـ سیاق سوره

سیاق های این سوره، در دو بخش منسجم شده است: بخش نخست، آیات ۱ تا ۴۴ و بخش دوم، آیات ۴۵ تا ۷۳. [۱]

بخش نخست از سوره احزاب، دارای پنج سیاق است:

آغاز سوره با عبارت "**یَاأَیُّهَا النَّبی**" و تکرار این خطاب در چهار آیه دیگر سوره (آیات ۲۸، ۴۵، ۵۰ و ۵۳) نشان می‌دهد محور سوره در ارتباط با پیامبر(ص) می‌باشد.

سیاق اول (آیات ۱تا۸) در پی باطل نمودن فرهنگهای به جای مانده از جاهلیت است که یکی از آنها، ظهار است که بواسطه آن مرد همسر خود را در حکم مادرش می‌دانست. فرهنگ جاهلی دیگر این بود که پسر خوانده، برخی مواقع، در حکم پسر واقعی قرار داشت. لذا این آیات در پی ابطال این فرهنگ می‌باشد. پیامبر اکرم(ص) را محور ابطال فرهنگ پسر دانستن پسر خوانده، قرار داده است. به همین منظور ایشان را به مقاومت در برابر فشارهای وارده از طرف منافقان و کافران دعوت می‌نماید و دلیل ابطال این فرهنگ را مطرح نموده و اعمال فشار کافران و منافقان را تا حدودی برطرف می نماید. در آیه ۷ اخذ میثاق از پیامبر اسلام و انبیاء گذشته را بیان می‌نماید تا وظایف سنگین آنان را یادآوری کند. در آیه ۸ هدف از میثاق با انبیاء را، پرسش خداوند از صدق صادقان مطرح می‌کند و کافران را به عذاب دردناک هشدار می‌دهد. با توجه به آیات قبل و تقابل «صادقین» با «کافرین» مشخص می‌گردد که منظور از صادقان، مؤمنانی هستند که صدق ادعای خود را در عمل اثبات کرده‌اند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۲۱۲/۱۷-۲۱۳) اینان با پیامبر در زدودن فرهنگ‌های جاهلی همراه هستند.

---

۱. برخی مفسران بخش اول سوره را تا آیه ۴۸ در نظر گرفته‌اند که توضیحاتی در این خصوص در انتهای مباحث بخش اول آمده است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

سپس سیاق دوم (آیات ۹ تا ۲۷) با بیان وقایع مربوط به جنگ احزاب، مؤمنـان را بـه یاد آن زمان انداخته است تا به وسیله این یادآوری، به آنها بفهماند که فضای کنونی جامعـه شبیه به زمان جنگ احزاب است و مؤمنان باز در موقعیت ابتلای الهی قـرار دارنـد و بایـد مراقب منافقان باشند. در این سیاق، صور نفاق در زمان امتحان سخت الهی نشان داده شده است که شامل شک در وعده های الهی، ایجاد یأس در مسلمانان، برگشت بـه کفـر، نقـض عهد، رها نمودن جهاد، بخل ورزیدن در انفاق، ترس از قتال، زبان تیز و تند علیـه مؤمنـان، طمع در غنائم، بیزاری از مشارکت در جنگ می‌باشد و در مقابل تأسی به رسـول الله(ص)، ایمان به او، تسلیم اوامر پیامبر بودن و وفا به عهد صور ایمان در زمان امتحان سخت الهـی هستند که در این آیات به آنها اشاره شده است. (حوی، ۴۴۰۶/۸)

در آیه ۲۴، علت و فلسفه ابتلای به جنگ را بیان نموده که جزا دادن صادقان و عـذاب نمودن منافقان بود. (زحیلی،۲۷۶/۲۱) سپس در آیات انتهایی این سیاق (آیات ۲۵ تـا ۲۷) کفایت خداوند را برای مؤمنان در صحنه جنگ احـزاب بـه تصـویر درآمـده اسـت. بـدین صورت که آیه ۲۵ بیان می‌دارد که خدا کافران را بازگرداند بی‌آن‌که نتیجه‌ای از کـار خـود گرفته باشند. عبارت «وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظاهَرُوهُم» در آیه ۲۶ دلالت دارد بر ایـن کـه یهودیـان عهدی که با پیامبر (ص) بسته بودند، نقض نمودند و به یاری مشـرکان شـتافته و بـا آنـان همدست شدند. (ابن جوزی، ۴۵۸/۳) و خداوند این یهودیان را که جمهور مفسران آنهـا را، یهود بنی قریظه می‌داننـد، (آلوسـی، ۱۷۲/۱۱) از قلعـه‌هـای محکمشـان پـایین کشـید در دلهایشان رعب افکند و کارشان به جایی رسید که مسلمانان گروهی را بـه قتـل رسـانده و گروهی را اسیر نمودند! و در آیه ۲۷ بیان می‌نماید کـه زمینهـا و خانـه‌هـا و اموالشـان در اختیار مسلمانان قرار گرفت.

در سـیاق سـوم (آیـات ۲۸ تـا ۳۵) روی سـخن را متوجـه همسـران رسـول گرامـی اسلام(ص) می‌نماید و آنان را نسبت به اظهارات و رفتارشان در قبـال پیـامبر (ص) پنـد و اندرز می‌دهد. در این سیاق و در خلال نصـیحت بـه ازواج نبـی، آیـه ۳۳، عصـمت اهـل

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

بیت(ص) را بیان می‌کند تا در بهترین جایگاه در معرض دید همگان واقع شود. جایگاه آیه تطهیر در این بخش از سوره، در ادامه مقاله بـه تفصـیل بررسـی مـی‌گـردد. پـس از ایـن اقدامات، در سیاق چهارم (آیات ۳۶ تا۴۰) ازدواج پیامبر اسـلام (ص) بـا زینـب (همسـر سابق پسر خوانده پیامبر) را تحلیل کرده است تا هر گونه شائبه و شـبهه را در ایـن زمینـه برطرف نماید. در سیاق پنجم (آیات ۴۱ تا۴۴) وظایفی را برای فراهم آوردن زمینه تبلیغ و گسترش دین به مؤمنان محول می‌کند. این آیات روی سخن را به مؤمنان می‌نماید و قلوب آنها را با خداوند سبحان مرتبط می‌نماید تا احکام و وظایفی که برعهده آنها گذارده می‌شود و به آن خو نگرفته اند، مشکل ننماید. (حسینی شیرازی، ۳۴۱/۴) مؤمنان را به یاد خداونـد و تسبیح او انداخته است تا از ظلمت‌های همراه شدن با منافقان جامعه رهـایی یابنـد و بـه نور همراهی و اطاعت از پیامبر (ص) مزیّن گردند.

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان غرض بخش نخست سوره را اینگونـه دانسـت: «رفع فشار وارده بر پیامبر گرامی اسـلام (ص) کـه از سـوی منافقـان بـه بهانـه ازدواج آن حضرت با مطلقه پسرخوانده‌اش صورت گرفته بود.»

لازم به ذکر است که آیات ۴۵ تا ۴۸ خطاب به پیامبر اسلام (ص) است ولی نتیجـه آن سخن برای مؤمنان است و آیات گذشته را که بخشی از وظایف مؤمنان را مطرح مـی‌کـرد، تکمیل می‌کند، لذا برخی از مفسران آیات ۴۵ تا ۴۸ را در امتداد سیاق قبلی می‌دانند و یک سـیاق محسـوب مـی‌کننـد و شـروع سـیاق جدیـد را از آیـه ۴۹ در نظـر مـی‌گیرنـد. (سمرقندی،۶۳/۳؛ جرجانی،۱۵/۸؛ طباطبـایی،۳۲۷/۱۶) امـا گـروه دیگـری از مفسـران برخلاف این سیاق‌بندی، آیه ۴۵ را شروع سـیاق جدیـد مـی‌داننـد. (ابـن عجیبـه،۴۴۳/۴؛ سبزواری نجفی، ۴۴۴/۵؛ حوی، ۴۴۵۳/۸؛ زحیلی،۴۵/۲۲) که البته مختار نگارندگان نیـز همین است. زیرا که بخش اول سوره ابتدا دستوراتی به پیامبر داد تا وی را برای مبارزه بـا فرهنگ های جاهلی بخصوص "پسر دانستن پسر خوانده " مقاوم سازد و سپس با یادآوری جنگ احزاب مؤمنان را برای همراهی با آن حضرت آماده نمود. سپس همسـران پیـامبر را

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

نصیحت نمود که همراه و یاور ایشان باشند و پس از آن که خداوند در آیه ۴۱ تا ۴۲ مؤمنان را به ذکر فراوان و تسبیح شبانه روزی فرا می‌خواند، در آیه ۴۳، در عبارت «هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ» تعلیل امر به ذکر کثیر را می‌نماید (گنابادی، ۴۶۷/۱۱) و بعد در عبارت «لِیُخْرِجَکُمْ مِّنَ الظُّلُمَتِ إِلَیَ النُّورِ» که با لام تعلیل آمده است، (درویش، ۳۰/۸) به ذکر علت صلوات فرستادن خداوند پرداخته است و با این تعلیل مطالب قبل را جمع بندی نموده است و در آیه ۴۴ مقام مؤمنان و پاداش آنها را در قیامت بیان می‌کند. بنابراین از وظایف دنیوی مؤمنان بحث را آغاز کرده و به عرصه قیامت آنها ختم نموده است. اما آیه ۴۵ با تغییر خطاب به پیامبر(ص) وارد سیر مفهومی جدیدی می‌گردد که بهتر است در سیاق دیگری قرار گیرد و مانند بخش قبل ابتدا جایگاه پیامبر را تثبیت می‌نماید تا مقاومت ایشان در برابر آزارها صورت گیرد و در ادامه دستورات لازم را مطرح می‌نماید.

باید توجه نمود که سیاق بندی، امری بشری می‌باشد و به منزله دیوارکشی میان آیات نیست. بلکه غایت آن فهم بهتر آیات یک سوره است و گرنه برطبق نظریه وحدت موضوعی و ساختار معنایی سوره، همه آیات سوره حول محور واحدی هستند. از آنجا که هر دو بخش سوره «الاحزاب» با هم در یک راستا هستند، این اختلاف نظر در سیاق بندی سوره، تفاوت محسوسی در رسیدن به غرض سوره ایجاد نمی‌نماید، به همین علت مناقشه بیش از این بر سر اختلاف در سیاق‌بندی بی‌حاصل است.

بخش دوم این سوره دارای پنج سیاق است:

سیاق اول (آیات ۴۵ تا ۴۸) تثبیت جایگاه پیامبر گرامی اسلام را می‌نماید و برای دستیابی به این هدف معرفی ایشان را در پی می‌گیرد. آیات ۴۵ و ۴۶ پیامبر (ص) را رسول شاهد و مبشر و منذر و داعی به سوی پروردگار و چراغی نور افشان معرفی می‌کند و با این معرفی، جایگاه و موقعیت پیامبر را در مقابل آزارهای منافقان تقویت می‌کند. (دروزه، ۳۹۴/۷) از سویی دیگر به مؤمنان و دیگران اقشار جامعه جایگاه الهی پیامبر(ص) را یادآوری می‌نماید. همچنین برای تقویت مؤمنان در آیه ۴۷ به آنها بشارت می‌دهد تا در

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

برابر فشار ناشی از آزار و اذیت کافران و منافقان مقاوم شوند و در آیه ۴۸ هشدار می‌دهد که مؤمنان تحت تأثیرکافران و منافقان قرار نگیرد و آزار و اذیت آنان را با توکل بر خدا دفع کند. بنابراین در آیه ۴۵ و ۴۶ پنج توصیف برای پیامبر صلّی اللّه علیه و آله آمده، و در دو آیه بعد از آن، یعنی آیات ۴۷ و ۴۸ بیان پنج وظیفه است که همه به یکدیگر مربوط و مکمل یکدیگر می‌باشند. (بابایی، ۶۱۹/۳)

سیاق دوم (آیات ۴۹ تا ۵۲) است که آیه ۴۹ برخی از احکام فقهی طلاق را برای مؤمنان بیان می‌دارد. این آیه ارتباط لفظی با آیه قبل ندارد ولی می‌توان آن را نمونه ای از احکام اسلامی دانست که رسول الله داعی به آن است و تفصیلی برای آیه ۴۶ می‌باشد. (حوی، ۴۴۵۶/۸) سپس آیه ۵۰ موارد هفتگانه‌ای را که ازدواج با آنها برای پیامبر مجاز بوده شرح می‌دهد و سپس به بهانه های واهی افراد در خصوص روابط پیامبر با همسرانش که به منظور تخریب آنحضرت، صورت می‌گرفت، پاسخ می‌دهد. به طور کلی آیات این سیاق، سعی در خنثی سازی آزارهای منافقان نسبت به رسول الله(ص) دارد. این منافقان با ایجاد شبهاتی درباره تعدد ازواج پیامبر، عدم رعایت عدالت آن حضرت در قبال همسرانش و تقدیم و تأخیر نوبت همسرانش جو جامعه راعلیه آن حضرت آلوده نمودند و خداوند با بیان آزادی او پاسخ شبهات آنان را می‌دهد.

سیاق سوم (آیات ۵۳ تا ۵۸) می‌باشد که در ابتدا آیات ۵۳ و ۵۴ بیان می‌کند که برخی از بیماردلان، با تعامل نادرست در زمینه بیوت و همسران پیامبر، ایشان را آزار می‌رساندند. قرآن مجید همچون کسانی را سخت بیم می‌دهد و زشتی گناهشان را در پیشگاه خدا بدیشان می‌نمایاند و تهدیدشان می‌کند به این که خدا از کیدی که در سینه‌هایشان نهان می‌دارند، کاملاً مطّلع است. (سیدقطب،۲۸۷۷/۵) به دنبال بحث پیرامون حفظ حرمت پیامبر(ص) و عدم ایذاء او در آیات ۵۶، سخن از علاقه خاص خداوند و فرشتگان نسبت به پیامبر(ص) می‌گوید، و بعد در این زمینه دستور به مؤمنان می‌دهد، و سپس در آیه ۵۷ آزار دهندگان پیامبر(ص) را مورد لعن خداوند در دنیا و آخرت معرفی می‌کند و عواقب

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

دردناک اخروی آنان را مطرح می‌نماید. (مکارم شیرازی و دیگران،۴۱۶/۱۷) در آیه ۵۸ و در آخرین مرحله از این سیاق، سخن از مردم نابکاری می‌کند که در آزار دادن دستشان بـه رسول خدا نمی‌رسد، اینان به آزار دادن مؤمنان از طریق تهمت زدن بـر آنهـا مـی‌پردازنـد، اینان هم عذاب دنیوی و اخروی شامل حالشان می‌شود، زیرا آزار مؤمنان سبب آزار پیامبر می‌شود و آزار پیامبر سبب آزار خدای تعالی.(مدرسی، ۳۸۵/۱۰) بنابراین در این آیات هم با ایذاء پیامبر مقابله می‌شود و هم با توسعه ایذاء به مؤمنان و مؤمنات مبارزه شده است.

سیاق چهارم (آیات ۵۹ تا۶۸) دو راهکار برای مبارزه با اذیـت و آزار پیـامبر و مؤمنـان مطرح می‌کند. اول این که فرهنگ حجاب را توسعه می‌دهد و میان همسران رسول خـدا(ص) تثبیت می‌کند تا در ادامه در جامعه نیز تثبیت و راه آزار بر بیماردلان بسـته گـردد. از سـویی دیگر اعلام آمادگی و برخورد نظامی شدید برعلیه منافقان می‌نماید و از این طریق منافقان را در زندگی دنیوی تهدید می‌نماید و تهدید شدید دیگری هم نسبت به عاقبت اخـروی منافقـان می‌نماید. به منافقان تفهیم می‌کند که تهدید به عذاب اخروی به دلیل اطاعت نکردن از خـدا و رسول (ص) صورت گرفته است. البته تهدید به عذاب آنان در قیامت به منظور پاسخگویی به شبهه ایجاد شده توسط منافقان، در زیر سؤال بردن قیامت، نیز می‌باشد.

سیاق پنجم (آیات ۶۹ تا ۷۳) مؤمنان را از آزار رسول خدا (ص) نهی نموده و ایشان را به اطاعت از آن حضرت فرامی‌خواند و ولایـت الهـی را امـانتی سـنگین، اعـلام مـی‌دارد. (طباطبایی، ۳۵۰/۱۶) در ادامه از مؤمنان می‌خواهد تا تکلیف الهی خود را نسبت به ولایت الهی بدرستی انجام دهند. واضح است که ولایت پیامبر(ص)، در طول ولایت خداوند قـرار دارد و از سویی دیگر، با استناد به مباحث سوره، مشخص می‌شود که وظیفه مؤمنان نسبت به ولایت پیامبر (ص) همان وظایفی است که در مقابل ولایت الهی دارند.

با توجه به سیاقهای فوق، غرض بخش دوم سوره، هم راسـتای بـا غـرض بخـش اول است و اینگونه قابل بیان اسـت: «مبـارزه بـا فشـارهای وارده بـر پیـامبر (ص) و آزار آن حضرت و مؤمنان که از طرف منافقان و افراد بیماردل و شایعه سازان ایجاد شده است.»

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

بخش اول و دوم در چند محور با هم ارتباط اسلوبی، موضوعی و مفهومی دارند:

۱. در هر دو بخش سوره، خطاب به پیامبر(ص) مشاهده می‌گردد. هدف نهایی این خطاب‌ها تقویت آن حضرت در مقابل آزارهای رسیده به ایشان است.

۲. آزار رساندن و اعمال فشار به پیامبر(ص) از سوی منافقان و کافران در هر دو بخش مشاهده می‌شود.

۳. اطاعت از خداوند متعال و پیامبر (ص) بخصوص از جانب مؤمنان مسئله ای است که در هر دو بخش سوره بدان پرداخته شده است.

۴. هر دو بخش سوره اطاعت از خدا و رسول(ص) را نتیجه پذیرش ولایت آن حضرت بیان می‌کند.

۵. در آیات انتهایی بخش اول سوره عبارات: «**يَاأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اذْكُرُواْ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا*وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلا**» (الاحزاب، ۴۱-۴۲) مشاهده می‌گردند، و بخش دوم سوره با آیه: «**يَاأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ قُولُواْ قَوْلًا سَدِيدًا**» (الاحزاب، ۷۰) به اتمام رسیده است. در نتیجه در هر دو بخش سوره خطاب به مؤمنان آمده است که منظور از این خطاب‌های الهی پند دادن آنها می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق، غرض اصلی سوره «برطرف نمودن فشار وارده بر پیامبر(ص) از طرف گروه‌های مختلف جامعه» می‌باشد.

برای اطمینان از صحت ساختار معنایی سوره «الاحزاب» و غرض به دست آمده، از سایر روشهای مؤثر در کشف هدف و غرض سوره بهره می‌بریم.

۲ـ نام سوره

یهودیان مدینه، مشرکان مکّه و منافقان پنهان در بین مسلمانها، برای جنگ علیه پیامبر(ص) متّحد شدند. این جنگ از آن جهت که توسط گروه‌های مختلف برنامه‌ریزی شد، به جنگ احزاب، معروف شد. (ابن عاشور، ۱۷۵/۲۱) به مناسبت ذکر احزاب در آیات

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

۲۰و ۲۲، این سوره، «الاحزاب» نامیده شده است. (مصطفوی، ۳۹/۱۵) اوج مخالفت و موضع‌گیری کافران (دشمنان خارجی) در جنگ احزاب نمایش داده شده است، نام سوره از همین ائتلاف و اتحاد نیروهای کفر و شرک (احزاب) اخذ گردیده است. (بازرگان،۱۷۵/۲) ارتباط نام سوره و محور سوره واضح است؛ از آنجا که گروههای مختلف با هم علیه پیامبر(ص) متحد شدند، لذا خداوند حمایت همه جانبه از پیامبر(ص) را گوشزد می‌نماید.

۳ـ جو و فضای نزول سوره

مفسران در مدنی بودن سوره «الاحزاب» اتفاق نظر دارند. (اندلسی، ۴۵۰/۸؛ ابن کثیر، ۳۳۵/۶؛ فیروز آبادی،۳۷۷/۱؛ سبزواری نجفی، ۴۲۳/۱) این سوره هفتاد و سه آیه دارد و بعد از سوره آل عمران نازل شده است. (سیوطی، تفسیر جلالین، ۴۲۱/۱؛ مراغی، ۱۲۳/۲۱) حوادث مطرح شده در این سوره بین سال دوم و پنجم هجرت روی داده است که به سبب نوپا بودن حکومت اسلامی در مدینه، مسلمانان، دوران سختی داشتند و در معرض دسیسه‌های مشرکان، یهودیان و منافقان بودند. طی این مدت جنگ احزاب و بنی قریظه رخ داد و رفته رفته حکومت اسلامی در مدینه و نیز قوانین اجتماعی اسلامی بیش تر تثبیت شد. (شحاته، ۴۷۷) محتوای سوره «الاحزاب» همچون دیگر سوره‌های مدنی، با فضای زمان نزول هماهنگی چشمگیری دارد. از یک سو آیات این سوره، کوشش پیامبر اسلام(ص) را به تصویر می‌کشد که تلاش ایشان در جهت تثبیت و اجرای قوانین اجتماعی و از میان بردن رسوم دوران جاهلیت بوده است و از طرف دیگر تلاش دشمنان ایشان را بیان می‌کند که در جهت دسیسه و توطئه نمودن علیه حکومت اسلامی از طریق حمله نظامی، اخلالگری در اوضاع جامعه و تضعیف جایگاه رهبری و ولایت پیغمبر(ص) صورت می‌گرفت.

٤ـ آیات آغازین و پایانی سوره احزاب

غالباً آیات ابتدا و انتهای هر سوره، فهرست و نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای از آن سوره را

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

بیان می‌کنند. اولین آیه سوره: «يَاأَيُّها النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» و آیه آخر سوره: «لِّيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيماً» می‌باشد. در این دو آیه دشمنان حکومت اسلامی را شامل کافران، مشرکان و منافقان می‌داند. در متن سوره به اعمال این دشمنان اشاره شده است. این دشمنان با دو رویکرد مختلف در صدد نابود کردن نور نبوّت بودند. کافران در صدد «ترور جسدی» او بودند و منافقان نقشه هایی برای «ترور شخصیتی» پیامبر (ص) طراحی می‌کردند که عمده این نقشه ها، مسائل خانوادگی و زناشویی آن حضرت را نشانه گرفته بودند. (بازرگان، ۱۷۴/۲)

۵ـ کلمات کلیدی سوره

کلمات کلیدی مهم این سوره در دوبخشِ کلمات و عبارات پرتکرار و کلمات تکآمد هستند. در ابتدا کلمات پرتکرار بررسی می‌شود.

۵-۱. عبارات و کلمات پرتکرار

خطاب "يا أَيُّهَا النَّبِي" یازده بار در سوره‌های «الانفال، التوبه، الاحزاب، الممتحنه، الطلاق و التحریم» تکرار شده است. (حریری، ۳۹۰) در سوره «الاحزاب» پنج بار این خطاب به کار رفته است که این تعداد زیاد خطاب به پیامبر، نشان می‌دهد که نقطه کانونی سوره، پیامبر(ص) است. همچنین در این سوره، بیش از سایر سوره‌های قرآن کلمه «نبی» به کار رفته است. به طوری که بیش از یک سوم کاربرد این کلمه در کل قرآن در این سوره قرار دارد (۱۵ تا از ۴۳ مورد) این موضوع می‌رساند که مسئله نبوت محور سوره است و موضع‌گیری مخالفان اعم از کفار و منافقین در برابر شخص نبی و مسئله نبوت مطرح می‌باشد. (بازرگان، ۱۷۵/۲) همراه شدن مؤمنان با پیامبر اکرم(ص) مراد خداوند بوده است به همین علت خداوند متعال با وعده به «اجر» در آیات ۲۹، ۳۵ و۴۴ سوره «الاحزاب» می‌خواهد که افراد را در رسیدن به این خواسته تشویق و ترغیب نماید.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

خطاب "یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا" که خطاب مدح است، (کمالی دزفولی، ۳۶۷) در این سوره ۶ بار به کار رفته است. این خطاب نشان می‌دهد که سوره در برهه‌ای از زمان نازل شده که جامعه ایمانی شکل گرفته بود. در این زمان یک ضلع مهم جامعه اسلامی مؤمنان هستند و خداوند با خطاب به آنها دستورات لازم را برای همراهی آنان با پیامبر (ص) به جامعه ایمانی گوشزد می‌کند.

دو خطاب «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ» و «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» به طور متناوب در این سوره تکرار می‌شوند. یعنی یک بار «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ» و یک بار «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، تنها در انتهای سوره است که عبارت «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» دوبار پشت هم تکرار گردیده است. (حوی، ۴۳۸۱/۸)

خطاب «یَا نِسَاءَ النَّبی» ۲ بار در این سوره مشاهده می‌گردد و توجه به متن و لحن آیاتی که این خطاب در آنها آمده است، نشان دهنده این است که در فضای اعمال فشار بر پیامبر(ص)، همسران ایشان نیز همراه آنها شده‌اند و یا حداقل در معرض آن قرار گرفته‌اند.

مشتقات واژه «نفاق» در سوره «الاحزاب» ۷ بار به کار رفته که بعد از سوره «التوبه» که ۱۱ بار است، بیش از سایر سوره‌ها است. تعداد بالای به کارگیری مشتقات «نفاق»، نشان می‌دهد که خطر این گروه به عنوان دشمن داخلی، برای جامعه اسلامی بیش از دشمنان خارجی است. چون منافقان به دلیل حضور و نفوذشان در میان مسلمانان ضربه را از داخل بر پیکر جامعه وارد می‌کنند و بیشتر حرمت رهبر جامعه را با شایعه پراکنی زیر سوال می‌برند و حتی برخی نقشه می‌کشند با ازدواج با برخی همسران او در آینده برای خود مقام و موقعیتی ایجاد کنند. (بازرگان، ۱۷۵/۲)

دقت در محتوای آیات ۱، ۱۲، ۲۴، ۴۸، ۶۰، ۷۳ نقش منافقان را به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان نمونه محتوای آیه ۱۲ نقش افراد منافق در ایجاد اضطراب، تزلزل، و فرار از جهاد و فعالیت تبلیغاتی منافقان در جنگ احزاب برای ایجاد فضای تزلزل در روحیه مسلمین و گمان آنها مبنی بر خدعه بودن وعده خدا و پیامبر(ص) را نشان می‌دهد. (هاشمی رفسنجانی، ۳۸۶/۲)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

ریشه «أذی» در آیات ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۹ به کار رفته است. در این آیات هرگاه شخص پیامبر(ص) مطرح می‌شود، از کلمه «نبی» و هرگاه از ارتباط پیامبر با خداوند و مأموریت او سخن گفته می‌شود از کلمه «رسول» استفاده شده است. (بازرگان،۱۷۶/۲) رفتارهای منافقان، به خصوص شایعه های ناموسی علیه پیامبر(ص) او را برافروخته می‌کند. اما از آنجا که صبور و حلیم است و نمی‌خواهد متوسل به زور برای ساکت کردن مخالفان خود شود، زخم زبان ها و اذیت های روحی را تحمل می‌کند. به همین دلیل بیش از نیمی از مواردی که مسئله «اذیت» کردن پیامبر در قرآن مطرح گشته، در این سوره آمده است. منظور از «اذیت»، رنجاندن پیامبر(ص) از طریق بی حرمتی به او و وارد ساختن اتهامات مغرضانه به آن حضرت یا همسرانش در روابط خصوصی می‌باشد. (همانجا)

در سوره «الاحزاب» بیش از سوره های دیگر (ده بار)، از کلمه «قلب» یاد می‌شود. (مظلومی، ۵۲/۴) آیاتی که قلب در آن به کار رفته است، نشان می‌دهند که قلب از جهات مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به تعمد دل در آیه ۵، ترس دل در آیات۱۰ و ۲۶، طهارت دل در آیه ۵۳ و مرض دل در آیات ۳۲ و ۶۰ پرداخته شده است. به نظر می‌رسد بین مطالبی که درباره شرّ دل است، زیادتر از همه «مرض دل و محرومیّتهای مختلف دل و ترس دل» را باز می گوید، و اصولا در «شرّ دل» بیشتر از «خیر دل» سخن می‌گوید،چون ابتلای به شرّدل بیشتر است. (همانجا، ۵۰/۴-۵۲)

با توجه به خطابهای سوره و واژگان پرتکرار سوره، می‌توان مربعی را در نظر گرفت که یک ضلع آن پیامبر(ص)، یک ضلع مؤمنان، یک ضلع همسران پیامبر و یک ضلع هم منافقان قرار دارند. خداوند تدابیر لازم را به پیامبر می‌فرماید و از سویی دیگر دستورهایی را به همسران پیامبر و مؤمنان می‌دهد تا در جهت حمایت از پیامبر(ص) قرار گیرند و بتوانند با منافقان که دلی بیمار دارند، مبارزه نمایند.

۵-۲. واژگان تکآمد قرآن در سوره «الاحزاب»

در این بخش به واژگانی که تنها یک بار در قرآن و در سوره «الاحزاب» آمده‌اند،

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

پرداخته شده است. زیرا واژگان تکآمد می‌تواند ارتباط معنا داری با محور و غرض سوره داشته باشند.

کلمه **"یثرب"** نام قدیمی شهر مدینه است که تنها در آیه ۱۳ سوره «الاحزاب» آمده است. اگر این کلمه را در کنار تکرار زیاد نبی در این سوره مورد توجه قرار داد، می‌توان بیان کرد که اگر یثرب تبدیل به «مدینه النبی» شده، به دلیل وجود پیامبر(ص) در آن است.

کلمه **"مُعَوِقین"** که در آیه ۱۸ سوره به کار رفته است، تنها یکبار در کلام اللّه آمده است. (قرشی، قاموس قرآن، ۶۹/۵) این کلمه به معنای بازداشتن از خیر است. (راغب، ۵۹۷) با توجه به محور سوره که مبارزه با فشارهای وارده بر پیامبر(ص) است، مشخص می‌گردد که گروهی از همراهی پیامبر(ص) بازمانده اند و توجه لازم را در رسیدن به هدف خیر پیامبر (ص) نداشته‌اند.

ریشه رجف به صورت اسم فاعل **"المرجفون"** در آیه ۶۰ این سوره آمده است. ایشان منافقینی بودند که در مدینه، مردم مسلمان را به سبب خبرهای دروغ، پریشان و مضطرب می‌ساختند به اینکه می گفتند مشرکین در فلان جا جمع شده که ناگاه بر مسلمین حمله کنند و امثال این حرفها و به اسیرها می‌گفتند مسلمانها در فلان جبهه کشته شدند و یا فرار نمودند. (طبرسی، ۵۸۱/۸) آمدن این کلمه در این سوره نشان از فضای شایعه پراکنی در مدینه بر علیه پیامبر(ص) دارد.

کلمه **"جَوف"** در آیه ۴ سوره احزاب آمده است. به کارگیری این کلمه در عبارت «**مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَینْ فِی جَوْفِه**» می‌رساند که در وجود انسان دو قلب نیست که با یکی خدا را بخواهد و با دیگری کفار و منافقان را، پس برای اطاعت از خدا لازم است که کفار و منافقان کنار زده شوند. (قرشی، احسن الحدیث، ۳۰۸/۸) بحث منافقین که در سوره مطرح شده است و ارتباط آن با کلمه «جوف»، به ذهن هر خردمندی متبادر می‌کند که اعتقادی که در درون هر انسان است، مورد نظر خداوند متعال است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

۶ـ اسمای حسنی در سوره الاحزاب

نام‌های خداوند تبارک و تعالی و تعداد و نوع نام نیکوی الهی که در سوره به کار رفته است می‌تواند یکی از ابزارهای شناخت محتوای سوره محسوب شود، مثلا مخاطب سوره‌هایی که نام «الله» در آنها به وفور به کار رفته، عمدتاً مؤمنان هستند و آنها را از لغزشگاههای خود در عرصه اخلاق و عمل، متوجه عظمت مقام خداوند می‌نماید؛ اما در سوره‌هایی که نام «رب» در آنها بیشتر به کار رفته، مشرکان مخاطب هستند و محور سوره در جهت شرک‌زدایی و توحید است. (خامه گر، ۱۶۴) در سوره «الاحزاب» ۹۰ بار لفظ جلاله «الله» به کار رفته است، (بازرگان، ۱۸۲/۲) خداوند می‌خواهد به مومنان هشدار لازم را در مورد رفتار آنان با پیامبر(ص) بدهد.

۷ـ فضائل سوره الاحزاب

روایات فضائل سور در کشف غرض سوره‌ها مفسران را یاری می‌دهند. ارتباط بین فضیلت سوره و محتوای آن ما را به این حقیقت می‌رساند که یک رابطه معنادار بین فضیلت سوره و غرض آن وجود دارد. این رابطه از آنجا نشأت می‌گیرد که فضیلت سوره و غرض آن هر دو تابعی از محتوای سوره هستند. بنابراین غرض سوره روح کلی حاکم بر سوره و فضیلت سوره خاصیت و اثر نهایی آن است. (خامه‌گر، ۱۶۱)

بدین ترتیب از روایات صحیح فضائل سور، می‌توان به صحت غرض و محور بدست آمده برای سوره دست یافت.

ابی‌بن‌کعب از پیغمبر (ص) روایت نموده که آن حضرت فرمود: «**من قرأ سورة الأحزاب و علمها أهله و ما ملكت يمينه أعطى الأمان من عذاب القبر**» (طبرسی، ۵۲۴/۸) هر کس سوره احزاب را قرائت نماید و به خانواده و زیر دستانش تعلیم دهد، به او ایمنی از عذاب قبر اعطاء می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «**من كان كثير القراءة لسورة الأحزاب كان يوم القيامة فی**

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

جوار محمد و آله و أزواجه.» (عروسی حویزی، ۲۳۳/۴) هر کس سوره احزاب را فـراوان قرائت کند روز قیامت در همسایگی پیامبر و خاندان و همسران آن حضرت خواهدبود.

غرض سوره نشان دهنده دفاع و تقویت خداوند از پیامبر(ص) در برابر فشارهای وارده بر آن حضرت است و چون فضائل سوره براساس عمل به محتوای سوره است، پس کسـی که از محتوای این سوره پیروی نماید و در دنیا حمایت از پیامبر(ص) و دین او را سرلوحه زندگی خود قرار داده و خانواده و زیردستانش را نیز در این اطاعت با خود همـراه نمایـد، شایستگی دارد که از عذاب قبر رهیده و در آخرت در جوار پیامبر(ص) سکنی گزیند.

۸ـ قصه‌های این سوره

قصه در قرآن از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و قصه‌گویی یکی از کارآمـدترین روش‌هـا برای رساندن مقصود خدای متعال به مخاطب می‌باشد. از جملـه خصوصـیات مهـم قصـه‌هـای قرآنی، همسو بودن آنها با غرض اصلی سوره است. «قابل توجه است کـه بـدانیم در هرجـا کـه قصه‌ای به بحث نهاده می‌شود یا تکرار می‌گردد، صرفاً تأمین هدف خاصی منظور است که هم با سیاق ویژه آن سوره و هم با سیاق کلی قرآن هماهنگ است.» (حوی، ۱۶۹/۳)

در آیات ۹ تا ۲۷ سوره، داستان جنگ احزاب و سرگذشت یهودیان بنـی قریظـه آمـده است. (طباطبایی، ۴۲۷/۱۶) و جنگ احزاب را به عنوان آزمایش الهی معرفـی مـی‌نمایـد: «**هُنَالِکَ ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُون**» (الاحزاب، ۱۱) و در این ابتلاء، مؤمنان راستین، افراد سست ایمان و منافقان، گروه‌های مختلفی بودند که پدید آمدند. (بابایی، ۵۹۴/۳)

داستان جنگ احزاب، همسو با غرض اصلی آن است. اعمال فشار از طرف اقشار کافر، مشرک و منافق بر پیامبر(ص) مانند جنگ احزاب، آزمایش و ابتلایی دیگـر اسـت کـه در زمان نزول سوره، افراد جامعه به آن مبتلا شدند.

آیه ۶۹ اشاره به اذّیت شدن حضرت موسی(ع) توسط بنی اسرائیل دارد: «**یا أَیُّهَـا الَّـذِینَ آمَنُوا لا تَکُونُوا کَالَّذِینَ آذَوْا مُوسی فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا وَ کانَ عِندَ اللَّـهِ وَجِیهًـا**» ایـن آیـه

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

مؤمنان را به اعراض از شیوه بنی اسرائیل توصیه می‌نماید. لحن بیان آیه حکایت از اذیت شدن پیامبر(ص) از سوی مسلمانان دارد. گویا رفتار مسلمانان زمان پیامبر(ص) با آن حضرت شبیه رفتار بنی‌اسرائیل با حضرت موسی (ع) گردیده است و یا حداقل در معرض انجام رفتاری ناپسند در جهت آزار پیامبر (ص) هستند.

۹ـ تناسب سوره «الاحزاب» با سوره قبل

مطلع سوره «الاحزاب» با انتهای سوره «السجده» تشابه دارد که این تشابه، وجه اتصال سوره «الاحزاب» به سوره قبل است. (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور،۱۱۱؛ مراغی، ۲۱/ ۱۲۳) آیه اول سوره «الاحزاب» تأکیدی برای امر مطرح شده در آخر سوره «السجده» است. (خطیب، ۶۴۵/۱۱) سوره «السجده» با فرمان به پیامبر مبنی بر دوری از کافرین و انتظار عذاب آنها تمام شد و سوره «الاحزاب» با امر به تقوی، عدم اطاعت از کافران و منافقان و تبعیت از وحی و توکل بر خداوند آغاز شد. سوره الاحزاب به منزله تمام کننده مباحث خاتمه سوره «السجده» گردید؛ مثل این که این دو یک سوره‌اند. (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۱۱۱)

۱۰ـ تناسب سوره «الاحزاب» با سوره بعد

سوره «الاحزاب» با این امر خداوند ختم شده است: «**لِّيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَىَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ...**» و سوره «سبأ» با این فرموده آغاز شده است: «**لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ**» زیرا چنین وصفی از خداوند یعنی مالکیت عام و قدرت تامه اقتضاء چنان حکمی از جانب او را دارد. تناسب دیگری که در این زمینه قابل ذکر است صفاتی از خداوند است؛ سوره «الاحزاب» با «**وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا**» به پایان رسیده است و انتهای آیه دوم سوره «سبأ» چنین آمده است: «**وَ هُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُور**». (سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور، ۱۱۲)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

۱۱ـ سرآغاز مشترک «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ» در سه سوره

تقسیم براساس سرآغاز سوره‌ها، نوعی از تقسیم‌بندی سوره‌های قرآن کریم است؛ به این معنا که نه تنها میان سوره‌های مجاور یا کل قرآن مجید نوعی پیوند موضوعی برقرار است، بلکه میان سوره‌های نزدیک به هم نوعی هماهنگی و همسویی وجود دارد. (ایازی، ۶۵)

در قرآن کریم ده سوره با حروف «نداء» آغاز گردیده که خطاب آن به مردم، یا به مؤمنین و یا به رسول خداست. (معرفت، ۱۲۸) از میان این ده سوره، سه سوره «الاحزاب، الطلاق و التحریم» با عبارت «**یا ایها النبی**» آغاز شده است. مباحث مربوط به ازواج در هر سه سوره بیان شده است.

در سوره «الطلاق» که ۱۲ آیه دارد، ۵ بار به تقوا اشاره شده است. این تعداد تکرار این موضوع، نشان دهنده تأکید این سوره به نقش تقوا است. با توجه به متن آیات و غرض سوره، دلیل تأکید به تقوی، پرداختن این سوره به امر مهم جدایی زوجین و لزوم تقوای الهی در امر طلاق و فرامین و احکام الهی مرتبط با آن است.

سوره «التحریم» به جایگاه همسران پیامبر(ص) به عنوان حافظان اسرار آن حضرت، اشاره می‌نماید و به زنان خیانتکار پیامبر(ص) که حفظ سرّ رسول الله را ننموده اند، هشدار می‌دهد تا از روش ناپسند خود دست برداشته و برخورد قاطع الهی با توطئه گران جبهه داخلی علیه پیامبر(ص) را مطرح می‌نماید.

در سوره «الاحزاب» بزرگداشت مقام پیامبر(ص) مشاهده می‌گردد زیرا که پیامبر(ص) به عنوان اسوه معرفی می‌گردد. از سویی دیگر منافقان با ایجاد جنگ روانی درپی تخریب شخصیت پیامبر(ص) بودند که محتوای سوره به خنثی سازی نقشه‌های آنان می‌پردازد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در هر سه سوره که با خطاب مشترک «**یا أَیُّهَا النَّبِیُّ**» آغاز شده‌اند. محور کلام پیامبر(ص) است و عظمت شخصیت پیامبر(ص) را یادآوری می‌نماید. در دو سوره «التحریم و الاحزاب» لحن سخن خطاب به همسران پیامبر، لحن عتاب، هشدار و تهدید است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

ب ـ ارتباط آیات سوره «الاحزاب» با آیه تطهیر

از آنجا که آیه تطهیر در سیاق سوم (آیات ۲۸–۳۵) قرار دارد، این سیاق باید دقیق‌تر بررسی گردد و ارتباط آن با سیاق های قبل تبیین گردد:

انسجام آیات این سیاق، بر محور نصیحت همسران رسول خدا (ص) است. این آیات چنین ارائه می‌دهد که حضرت از زنهای خود بسیار زجر می‌کشید. (امین، ۲۲۰/۱۰)

سیاق نخست، اعمال فشار بر پیامبر اسلام از سوی کافران و منافقان را، به بهانه ابطال فرهنگ جاهلی «پسر دانستن پسر خوانده» بیان نمود و اقدامات خود را در جهت تغییر این فضا ایفاء نمود. نکته قابل توجه در این سیاق عبارت «**النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ**» در آیه ۶ است که برتری پیامبر(ص) را گوشزد می‌کند و مهمترین علت این اولی بودن در آیه تطهیر ذکر شده که همان عصمت پیامبر(ص) است. عبارت «**وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ**» در آیه ۶ می‌رساند که شأن زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله، مادری برای مؤمنان است. برای این مادری تکالیفی است که بعضی از شما (زنان پیامبر) بدان‌ها عمل نکرده‌اید؛ پس به اهل‌بیت علیهم‌السّلام بنگرید که لیاقت آنها چنان است که خطاب «**إِنَّما يُرِيدُ اللهُ ...**» درباره آنها صادر شده است.» (همامی، ۱۵۱)

نکته لطیف دیگر نیز که باید به آن اشاره نمود و خود دلیل بر این است که منظور از اهل بیت زنان پیامبر نیست، این است که در آیه ۶ جایگاه آنان را «ام‌المومنین بودن» معرفی کرد و در آیه تطهیر عبارت «اهل بیت» را بیان می‌کند و اختلاف در تعبیر می‌رساند که این دو با هم متفاوت هستند.

سیاق دوم یادآوری ابتلای جنگ احزاب و نقش منافقان و مؤمنان را در وضعیت جنگ بیان کرد تا بینشی درست و همراه با عبرت، نسبت به ابتلائات الهی ارائه دهد. سیاق سوم، مجموعه ای از اوامر و نواهی را خطاب به همسران رسول الله(ص) ایراد می‌کند. این اقدام الهی حکایت از آن دارد که همسران پیامبر(ص) در فضای اعمال فشار بر آن حضرت، نیازمند پند دادن و راهنمایی هستند. زیرا برخی از همسران آن حضرت با دنیاگرایی (آیه

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

۲۸) از اطاعت خدا و رسولش خارج شده و به سود منافقـان در تحـت فشـار قـرار دادن پیامبر (ص) نقش دارند.

برخی گمان کرده‌اند آیه تطهیر به همسران پیغمبر (ص) اختصاص دارد یا دست کم آنهـا را نیز شامل می‌گردد. (فخررازی، ۱۶۸/۲۵) و همسران پیامبر را مصداق اهل بیت می‌داننـد تا جایی که حجازی در کتاب خود آیات ۳۱ تا ۳۵ را در ذیل عنـوان «آداب اهـل بیـت و اوصاف آنان» تفسیر نموده است. (۹۱/۳) این عقیده با توجه به ارتباط معنایی آیات در این سیاق و در کل سوره باطل می‌گردد. بررسی سیر آیات ایـن سـیاق، جهـت ابطـال ادعـای مصداق آیه تطهیر بودن همسران پیامبر(ص)، ضروری است. آیه ۲۸ می‌فرمایـد: ای پیـامبر همسرانت را بین دو چیز مخیرکن: یا حیات دنیا را برگزینند و از تو جدا شوند و یا خـدا و رسول او(ص) را برگزینند. ظهور آیه در آنست که زن پیامبر بـودن بـا خوشـگذرانی قابـل جمع نیست یا باید اصل هدف، دنیا و زینت آن باشد یا خدا و رسول و دار آخرت. (قرشی، احسن الحدیث، ۳۵۰/۸) آیه ۲۹ سوی دیگر قضیه اسـت، مـراد از اراده خـدا و رسـول و قیامت آنست که در زوجیت پیامبر بمانند و از تجمل و دنیا پرستی بپرهیزند در این صورت در بهشت خواهند بود، آن هم بواسطه نیکوکار بودنشان نه به دلیـل زوج پیـامبر بودنشـان. آیه۲۹ مطرح می‌کند که زن پیامبر بودن در نزد خدا به هـیچ وجـه ارزش آن را نـدارد کـه سبب مغفرت خدا باشد. آیه ۳۰ به بیان موقعیت زنان پیامبر (ص) و مقام ممتاز و مسؤولیت سنگین آنها، پرداخته است. (بابایی، ۶۰۶/۳) خداوند خطاب به زنان پیامبر مـی‌فرمایـد: در موقعیتی هستید که اگر گناه آشکار (اجتماعی) مرتکب شوید، دو برابر عـذاب مـی‌شـوید و اگر در برابر خدا و رسول او فرمانبردار باشید، دو برابر پاداش داده می‌شوید. آیه ۳۱ نقطـه مقابل آیه قبل را بیان می‌دارد: "و هر کس از شما در برابر خـدا و پیـامبر (ص) خضـوع و اطاعت کند و عمل صالحی بجـا آورد، پـاداش او را دو چنـدان خـواهیم داد، و روزی پـر ارزشی را برای او فراهم ساخته‌ایم." (مکارم شیرازی و دیگران، ۲۸۳/۱۷-۲۸۴)

از تقابل موجود، بین گناه آشکار و فرمـانبرداری (قنـوت) از خـدا و رسـول مشـخص

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

می‌شود که منظور از گناه، ترک فرمانبرداری خدا و رسول اوست. دلیل دو برابر بودن عذاب یا پاداش آنان نیز به خاطر آثار اجتماعی عملکرد آنان است. زیرا برخی از افراد امت به خاطر توجه به موقعیت همسری آنان برای رسول خدا به آنان اعتماد می‌کنند و در جهت مثبت یا منفی به ایشان تأسی می‌کنند و این امر، مسئولیت آنان را دو چندان کرده است. آشکار است که این آیات جهت دفع وحذف ایذاء پیامبر(ص)، از طرف نزدیکترین افراد نسبت به آن حضرت است. (زحیلی، ۲۹۴/۲۱)

در آیات (۳۲ تا ۳۴) موضوع موقعیت ویژه و مسئولیت سنگین همسران پیامبر مطرح می‌گردد و آیات درصدد این هستند که رفتار صحیح را به همسران پیامبر گوشزد نمایند. آیه ۳۲ ، بیان می‌کند که موقعیت شما ای زنان رسول خدا مانند زنان دیگر نیست. پس اگر تقوا دارید خاضعانه سخن بگویید تا منافقان و افراد بیماردل در شما طمع نکنند. چون اگر در اظهارنظر سستی نشان دهید، منافقان از شما به عنوان ابزاری در آزار رساندن رسول خدا(ص) استفاده می‌کنند و اگر سخن غیر معروف بگویید، باز هم چنین طمعی در سر می پرورانند. ابتدای آیه ۳۳ ادامه دستورهای قبل است، که بیان می‌دارد: «**وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ**». این عبارت اشاره دارد که در خانه نماندن همسران پیامبر(ص) می‌تواند زمینه انحراف آنها باشد.

بطور کلی مراد از ماندن در خانه آنها این است که در کارهای سیاسی دخالت نکنند. نه اینکه ابدا از خانه خارج نشوند، به خانه کسان خود، حتی به حج و امثال آن نروند، زیرا کسی این را نگفته است. این حکم ظاهراً بدان علّت است که آلت دست نشوند و جامعه را به هم نزنند. (قرشی، احسن الحدیث، ۳۵۳/۸) یعنی به نقش‌آفرینی سیاسی اجتماعی نپردازند و به سبک دوره جاهلیت و مانند همسران حکام آن دوره به فکر اعمال نفوذ نباشند، بلکه به قوانین اسلام پایبند و مطیع خدا و رسول او (ص) باشند.

برخی از همسران آن حضرت در جو فشارهای وارده توسط منافقان و کافران، به بهانه ابطال برخی از فرهنگ های جاهلی، نقش آفرینی منفی دارند و خداوند با هشدارها و اوامر

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

خود، اصلاح آنان را پی ریزی می‌نماید. در آیه تطهیر، اهل بیت رسول خدا (ص) از این افراد، جدا شده و بر عصمت آنان تأکید می‌گردد. عصمت آنان بیان می‌شود تا مؤمنان دریابند که به جای تأسی به همسران رسول خدا(ص) باید به اهل بیت او تأسی کنند. زیرا همسران آن حضرت نه تنها از اشتباه و گناه مصون نیستند بلکه در معرض این قرار دارند که خود، ابزاری در جهت اعمال فشار بر رسول خدا واقع شوند به همین دلیل آیه فرموده است که در خانه بمانند.

بعد از ذکر عصمت خمسه طیبه جهت اقتدای امت به اهل بیت نه بغیر، باز در آیه ۳۴ خطاب به ازواج پیغمبر کرد. (کاشانی، ۹۷/۴) در آیه ۳۴ ادامه دستورهای گذشته به همسران را می‌آورد، ظاهراً مراد از ذکر، یاد آوری و غافل نماندن است و برای تأکید توصیه شده که از آیات اللّه، غفلت نکنند (قرشی، احسن الحدیث، ۳۵۵/۸) و فرموده که آنها را همواره به خاطر بسپارید تا از خط سیری که خدا برایتان معین کرده، تجاوز نکنید در این صورت مردم پیروی از امر خدا را از شما یاد می‌گیرند. بدانید خدا لطیف و خبیر است و از دقیق و باریک‌ترین مسائل باخبر است و نیّات شما را به خوبی می‌داند. (پورسیف، ۱۰۸۵) سپس در آیه ۳۵ مجموعه‌ای از صفات پسندیده را به عنوان معیار دستیابی به اجر عظیم به ایشان می‌شناساند.

خداوند متعال، تابلوی عصمت اهل بیت علیهم السلام را در میان آیات نصیحت و اندرز به همسران رسول خدا و نهی و امر به ایشان نصب نمود تا در بهترین موقعیت در معرض دید همگان باشد.

درباره ارتباط آیه تطهیر با دیگر آیات سیاق سوم، نکات دیگری قابل اشاره است:

الف) دقّت در سیاق آیه تطهیر نشان می‌دهد که محتوای آن مخصوص گروه معیّنی است و مشمول زنان پیامبر (ص) نیست، زیرا همگی آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره الاحزاب، مشتمل بر ضمایر جمع مؤنث است و تنها جمله‌ای که پیام تطهیر را می‌رساند، مشتمل بر دو ضمیر جمع مذکّر است که چنین ضمیری با سیاق گذشته و آینده جمله مزبور هماهنگ نیست. از این تغییر ضمیر و دگرگونی تعبیر می‌توان استنباط کرد که مراد از آیه تطهیر، هرگز زنان رسول اکرم(ص) نیستند. (رستمی، ۱۲۱/۱)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

ب) آیات مربوط به (نساء النبی) با لحن عتاب و تهدید آورده شده است، در حالی که آیه تطهیر با لحنی ملاطفت‌آمیز و در مقام بیان فضیلت آورده شده است که به هیچ وجه با لحن عتاب و سرزنش هماهنگی ندارد. (موحد ابطحی، ۱۲۲/۲)

ج) وجود آیه تطهیر در آیات مربوط به زنان پیامبر، شبهه امکان ورود آنان را در معنای اهل بیت علیهم‌السّلام نفی می‌کند و بیان می‌دارد: آنان که خدا بر تطهیرشان اراده کرده، از زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و اله نیستند؛ در واقع اگر آیه تطهیر جدای از این آیات می‌آمد، ممکن بود عده‌ای گمان برند اهل بیت، همان زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله هستند که مشمول رحمت و لطف پروردگار قرار گرفته و پاک و منزه از آلودگی و گناه شده‌اند که وجود این آیه در بین آیات مربوط به زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و اله این احتمال را از اساس باطل می‌کند. (جواهری، ۱۳۱)

د) در سیاق سوم (آیات ۲۸–۳۵) خداوند، دستوراتی به زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله داده است و در آیه تطهیر، دلیل صدور این فرمان‌ها بیان می‌شود؛ یعنی تمام کارهایی که زنان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بدان‌ها امر یا نهی شده‌اند؛ از این‌رو مورد عنایت قرار گرفته‌اند که مبادا رفتار آنان که نزدیکان «اهل بیت» بوده‌اند، به ساحت مقدس «اهل بیت علیهم السّلام» که نزد خداوند، پاک‌اند، لطمه وارد نماید و آنها را در نظر مردم غیر پاک جلوه‌گر سازد. (همامی، ۱۵۱)

وجه جامع سخن نیز همان حفظ اهل بیت (ع) است که بدون شک در صیانت از پیام آسمانی بی‌تأثیر نخواهد بود. انگیزه اصلی تشریع چنین فرمانهایی زدودن "رجس" و پلیدی از خاندان نبوت است؛ چه برای مصون ماندن حوزه رسالت، صیانت از قدسیّت خاندان نبوت، ضرورتی قطعی و انکارناپذیر است. (فقهی‌زاده، ۱۱۵)

هـ) عدم ارتباط ظاهری در نگاه سطحی، میان آیه تطهیر در سوره «الاحزاب» نه تنها دلیل بر عدم ارتباط نیست، بلکه نشان می‌دهد در این چینش عمدی در کار است. (نقی‌پورفر، ۲۷۵)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

نتایج مقاله

۱ـ موضوعات به ظاهر مختلف سوره «الاحزاب» با نظمی شگفت‌انگیز و منطقی غرض واحد «حمایت همه جانبه از پیامبر(ص) در برابر احزاب گوناگون جامعه» را دنبال می‌نمایند.

۲ـ یکی از آیاتی که به ظاهر، ارتباط آن با آیات قبل و بعد خود مشکل می‌نماید، آیه ۳۳ سوره «الاحزاب» است. در واقع عدم ارتباط ظاهری میان آیه تطهیر در سوره «الاحزاب»، نه تنها دلیل بر عدم ارتباط و نفی چینش الهی نیست، بلکه خود دلیل محکمی بر چینش الهی است. زیرا که نظر به آیه «تطهیر» در میان آیاتی در مورد همسران پیامبر(ص) نشان می‌دهد در این چینش عمدی در کار است و تنها با نظر اجمالی و ابتدایی به قبل و بعد خویش نامربوط می‌باشد. اما با توجه به ساختار سوره احزاب جایگاه این آیه مشخص می‌گردد و می‌توان گفت انگیزه اصلی تشریع فرمانهایی به زنان پیامبر زدودن "رجس" از خاندان نبوت است.

۳- وجود آیه «تطهیر» در میان آیات مربوط به همسران پیامبر(ص)، حکایتگر ارتباطی در آیات می‌باشد که همچون چراغ قرمزی ذهن‌ها را به خود متوجه می‌نماید. بنابراین در این‌گونه موارد باید توجه بیشتری به ارتباط معنایی آیه با دیگر آیات سوره و محور اصلی سوره مبذول داشت. در واقع این سبک چینش، نشان دهنده اهمیت والای مطلبی است که در دید سطحی و اجمالی به شکل جمله معترضه در نظر گرفته می‌شود. امّا باید اذعان داشت که این سبک چینش برای برجسته‌تر نمودن مبحث مطرح شده در آیه است.

۴ـ در قسمت اعظم از آیات سوره «الاحزاب» از منافقان در جامعه اسلامی بحث می‌شود که نشان دهنده وجود جو نفاق در زمان نزول این سوره است. با توجه به لحن عتابی آیاتی که مخاطب آن همسران پیامبر(ص) هستند، این فرضیه قوت می‌گیرد که آنان در معرض خطر نفوذ منافقان قرار داشتند و آیاتی که لحن عتاب به آنان دارد، درصدد زدودن این خطر است.

۵- توجه به ساختار معنایی، سیاق آیات و غرض سوره «الاحزاب» مفسران شیعه را در رد نظر اهل سنت با استناد به دلیل خودشان یاری می‌دهد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.

۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ ق.

۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌جا، بی‌تا.

۶. ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.

۷. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.

۸. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

۹. ایازی، محمد علی، چهره پیوسته قرآن، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۰ش.

۱۰. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲ش.

۱۱. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۲. پورسیف، عباس، خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه، تهران، شاهد، ۱۳۹۱ش.

۱۳. جرجانی، محمدبن‌حبیبالله، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۴. جواهری، محمدحسن، پرسمان علوم قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.

۱۵. حجازی، محمدمحمود، التفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل الجدید، چاپ دهم، ۱۴۱۳ق.

۱۶. حریری، محمد یوسف، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم ، هجرت، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.

۱۷. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.

۱۸. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.

۱۹. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن پیش درآمدی بر روش‌های نوین ترجمه و تفسیرقرآن کریم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.

۲۰. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بی جا، بی تا.

۲۱. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.

۲۲. راغب، حسین بن محمد، ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.

۲۳. زحیلی، وهبهٔ بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدهٔ و الشریعهٔ و المنهج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.

۲۴. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.

۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.

۲۶. سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ ق.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]

۲۷. سیوطی، جلال الدین، تناسق الدرر فی تناسب السور، تحقیق عبدالله محمد درویش، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
۲۸. شحاته، عبداللّه محمد، درآمدی بر تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌ها، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران،نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۶۹ ش.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دارالکتب العلمیه، بی جا، چاپ دوم، بی‌تا.
۳۳. فقهی‌زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، چاپ اوّل، ۱۳۷۴ش.
۳۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۵. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۶. همو، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. کاشانی، فتح‌الله، خلاصهٔ المنهج، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۳ ق.
۳۸. کمالی دزفولی، سید علی، قرآن ثقل اکبر، قم، اسوه، ۱۳۷۲ش.
۳۹. گنابادی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ترجمه رضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۲ش.
۴۰. محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، تفسیر الجلالین، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۴۱. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۴۲. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. معرفت، محمد هادی، تناسب آیات، ترجمه عزت الله مولایی نیا، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۴۴. مصطفوی حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۴۵. مظلومی، رجبعلی، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی، تهران، آفاق، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. موحد ابطحی، علی، آیهٔ التطهیر فی احادیث الفریقین، قم، مطبعهٔ سید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
۴۸. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران، اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
۴۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ش.
۵۰. همامی، عباس، چهره زیبای قرآن، اصفهان، انتشارات بصائر، ۱۳۷۵ش.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.10.5]